

نگاهی کوتاه به سیاست و اهداف حزب سوسیال دمکرات جدید سوئد



حمید قربانی- ۲۳ نوامبر ۲۰۱۲

همواره در دورانی که جامعه دچار بحران و تلاطم می شود و می رود که نیروهای تغییر دهنده بنیادی در جامعه شکل بگیرند، احزاب رسمی و قدیمی مجبور می شوند که ماهیت طبقاتی خویش و خواست واقعی و نه ادعائی خویش را بیش از هر زمان دیگری نشان داده و بیان نمایند.

بحران سرمایه در سال های ۱۹۱۴ که منجر به جنگ جهانی اول شد، انترناسیونال دوم را به دو فراکسیون کاملن متفاوت تقسیم نمود، یک طرف به طرفداری از بورژوازی خودی برخاست و به برنامه بودجه جنگ سرمایه داران امپریالیست رأی داد و کارگران را بعنوان سرباز به جنگ کارگران در سوی دیگر مرز میهن پدری فرستاد و طرف دیگر جنگ امپریالیست ها را ارتجاعی، ضد کارگر و در راستای منافع سرمایه داران برای تقسیم دوباره جهان نامید و طبقه کارگر را فراخوان تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ انقلابی را داد و دست به تدارک انقلاب کارگران بر علیه سرمایه داران شد که انقلاب اکتبر کارگران روسیه که جهان را تغییر بنیادی داد «۱۰ روزی که جهان را لرزاند» و مبارزات به خون آغشته کارگران اروپای انقلابی و مخصوصن شورائی آلمان در سال های ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۱ و تا جنگ داخلی و اعلام جمهوری در اسپانیا را به بار آورد. از دهه هفتاد قرن قبل نیز که کنیزسیسم (دولت رفاه) سوسیال دموکراسی در اروپا غربی با اولین بحران سرمایه بعد از رشد طولانی به بن بست رسید، سوسیال دموکراسی شروع کرد به راست روی در لفافه راه سوم یا لیبرال سوسیال، حزب بزرگ کارگر انگلستان اولین حزب سوسیال دموکرات بود که به همسازی با حرکت نئولیبرال سرمایه تاجرپسند پرداخت و به جای حزب کارگران، حزب جامعه را تئوریزه نمود (گیدنز) این راه سوم را اتفاق یکی از سوسیال دموکراتهای به نام سوئدی که متن نویس سخنرانی های اولاف پالمه بود در کتابی بهمین نام در دهه نود قرن قبل تشریح نموده است. این راه سوم (در مقابل کمونیسم روسی و یا سرمایه داری دولتی و سرمایه داری خصوصی) راه را

برای دفاع از سرمایه داری و حذف سوسیالیسم بعنوان مالکیت اجتماعی بر ابزار تولید و لغو مالکیت خصوصی یعنی سرچشمه سود و استثمار از برنامه احزاب سوسیال دمکرات و چپ اروپا و جهان باز کرد و حزب مدافع مبارزه مسالمت آمیز برای "سوسیالیسم" را به حزب مدافع سرمایه آزاد و رقابتی در لفافه دفاع از کارخانه داران و صاحبان کارگاههای کوچک و استادان دانشگاهها و کارمندان عالی رتبه تبدیل شد. این برنامه در حزب سوسیال دمکرات سوئد با به قتل رساندن اولاف پالمه در آپریل سال ۱۹۸۶ کلید خورد و در دوره رهبری مونا سالین اولین رهبرزن این حزب گل داد و ایشان اعلام پشتیبانی حزب سوسیال دمکرات از کارگاههای کوچک را نمود. اکنون یکی از رهبران راست از سازمان سراسری کارگران سوئد، بعنوان بهترین خاتمه دهنده و به بار نشسته تلاش ۲۰ ساله کادرهای درجه اول راست و سرمایه پسند این راه دراز شده است. امروز آقای **استفان لوف ون** رهبر حزب با نوشتن مقاله در روزنامه لیبرال صبح سوئد، اخبار روز (داگنز نی هتر) این نا قهرمانی را با امضاء مشترک ۳ عضو بر جسته رهبری حزب به طبقه کارگرسوئد بعنوان سند بردگی همیشگی اش، در ۳ بند به این ترتیب اعلام نموده است. او به جای اینکه اکثریت رهبران حزب آینده را کارگران آگاه اعلام نماید، اولین بند را ۲۵٪ از کاندیداها برای پست های آینده کلیدی در حزب را جوانان اعلام می کند و دومین را باز کردن حزب و به وسط جامعه رفتن یعنی به زبان آدمیزاد حزب را غیر طبقه ای نمودن و حزب تمام جامعه کردن و عضو گیری از مرتجعین مسیحی و اسلامی، سرمایه دار و خرده بورژوا های فعال در امور جامعه می داند. در اینجاست که حتی به رضایت دادن سوسیال دمکراسی به مقنعه، روپوش و پوزه بند زنان و حجاب اسلامی نیز می پردازد و از آن بعنوان مخالفت با اجباری نمودن البسه دولت دست راستی موجود به دفاع بر می خیزد. سومین را همکاری با صاحبان صنایع، آکادمیک ها و آکتورهای فعال در امور اجتماعی می نامد و از آن به نام رهبران با دانش و برنامه ریزان رشد اقتصادی برای رفاه بهتر و رشد با دوام اقتصاد سوئد یاد می کند. از آن به بعنوان «وظیفه ات را انجام بده، حقوقت را خواستار شو» نام می برد و این را منشأ حل تمام مشکلات سیاسی خویش می داند. از کیفیت و انتخاب آزاد بعنوان جانشین برنامه دولت دست راستی کنونی که بر اساس کومه نظری و سود افزائی فوری به قول استفان و شرکاء نهاده شده است، یاد می کند. خلاصه در این برنامه نو شده برای حزب جدید سوسیال دمکراسی، حزب بورژوائی صاف و ساده و بی چيله و پيله سوئد نه از کوتاه کردن ساعت کار روزانه به ۶ ساعت کار با حقوق مکفی که یکی از شروط اساسی کارگران صنعت ماشین سازی اروپا است که در اعتصابات و تظاهراتهای روز ۱۴ نوامبر ۲۰۱۲ مطرح شد، خبری هست و نه حتی یک کلمه از طبقه کارگر و مبارزه طبقه ای و رو به سوی حاد شدن در جامعه امروز اروپا و سوئد. ایشان از کیفیت و انتخاب آزاد می نویسند که در دهه هشتاد یکی از بندهای اساسی تبلیغات انتخاباتی و برنامه ای احزاب راست و نئولیبرال سوئد مانند حزب محافظه کار و ریگانگرای مدرات که) وزیر امور خارجه دولت کنونی اش و نخست وزیر دهه نود **کارل بیلت**، رئیس شورای اروپائی جنگ خلیج در زمان بوش پسر بود، می باشد) و حزب نئولیبرال شده مردم بودند که بر علیه دولتگرائی حزب سوسیال دمکرات تبلیغ می کردند. این است که این گفته مارکس را باید به روز کرد و در به انجام رساندن آن کوشش فوق العاده نمود. « طبقه کارگر برای پیروزی در مبارزه اش به حزب خویش نه تنها در سطح کشور، بلکه بین المللی نیازمند است»، نقل به معنی از اولین سخنرانی کارل مارکس در جلسه افتتاحیه انترناسیونال اول، ۱۸۶۴.

امروز ساختن حزب کمونیست کارگران آگاه بیش از هر زمان دیگری ضرورت و لزومیت خود را بیان می کند. احزاب موجود همه به صف شده اند تا طبقه کارگر و ۹۹٪ را به سود ۱٪ به خاک سیاه بنشانند، به خود اروپای تحت سلطه سرمایه داری جنگ طلب و متجاوز امپریالیستی و سوسیال دموکراسی زده نظری بی افکنید، دیگر لازم نیست آفریقا و آسیا را برای توده های اروپا مثال بزنید تا ددمنشی سرمایه امپریالیستی و نوکری و چاکر منشی احزاب رسمی و بورژوازی سوسیال دموکرات را اثبات نمائید، زندگی خود طبقه کارگر در اروپا و میلیون ها انسان شریف و زحمتکش بر این امر به روشن ترین وجه گواهی می دهد. به قول لنین «تئوری خاکستری است، درخت سبز زندگی است».

«سو سیالیت های بورژوا آنان بخش هایی از بورژوازی هستند که مایل اند دردهای اجتماعی را درمان کنند تا بقای جامعه بورژوایی را تامین نمایند. سوسیالیست های بورژوا می خواهند شرایط حیات جامعه معاصر را حفظ کنند ولی بدون مبارزات و مخاطراتی که ناگزیر از آن ناشی میشود. آنها می خواهند جامعه موجود را حفظ کنند ولی بدون عناصری که آن را انقلابی کرده و شیرازه اش را از هم میپاشد. آنها بورژوازی را بدون پرولتاریا می خواهند. بورژوازی عالمی را که در آن حکمرواست، طبیعتاً بهترین عوالم میپندارد. سوسیالیسم بورژوا این پندار تسلیم بخش را بصورت یک سیستم تمام و یا نیمه کاره ای در می آورد هنگامی که این سوسیالیسم از پرولتاریا دعوت میکند که سیستم او را عملی نماید و در بیت المقدس جدید وی گام گذارد، در واقع توقع وی فقط آنست که پرولتاریا در جامعه کنونی همچنان باقی بماند ولی اندیشه های کینه آمیز خود را درباره این جامعه بدور افکند. سو سیالیسم بورژوازی زمانی با چهره خود جلوگرمیشود که به وجهی از سخنوری مبدل گردد. آزادی بازرگانی! بسود طبقه کارگر؛ حمایت گمرکی! بسود طبقه کارگر؛ زندانهای انفرادی! بسود طبقه کارگر... این است آخرین و تنها سخن جدی سوسیالیسم بورژوا. سوسیالیسم بورژوازی درست منحصر به این ادعاست که بورژوا بورژواست، بسود طبقه کارگر " مارکس - انگلس - مانیفست حزب کمونیست. » به نقل از نوشته رفیق بهروز شادیمقدم - **سوسیالیست های بورژوایی - رفرمیستها**

البته رفیق در زیر نویس نوشته نقل قولی از لنین نیز نقل می کند. لنین « مارکسیست ها، برخلاف آنارشیست ها، مبارزه برای اصلاحات، یعنی اقداماتی را که بدون انهدام قدرت طبقه حاکم وضعیت زحمتکش را بهبود بخشند، برسمیت می شناسند اما در همان حال با رفرمیست ها، که اهداف و فعالیت های طبقه کارگر را بطور مستقیم یا غیر مستقیم به کسب اصلاحات محدود می کنند، به قاطعانه ترین مبارزه دست می زنند. رفرمیسم فریب بورژوایی کارگران است، که به رغم بهبودهایی در اینجا یا آنجا، تا زمانی که سلطه سرمایه وجود دارد همچنان برده مزدی باقی خواهند ماند.» لنین - مارکسیسم و رفرمیسم.

البته در این رابطه یک نکته کوتاه و خیلی مختصر قابل ذکر است. آن اینکه؛ در جنبش چپ غیر کارگری ایران تئوریزه کننده اصلی این خط، به باور من، دو نفر از رهبران و تئوریسین ها باصطلاح کمونیسم کارگری ایران، منصور حکمت و ایرج آذرین می باشند. منصور حکمت با خواندن تزه های گیدنز، حزب جامعه، حزب گرفتن قدرت سیاسی بوسیله ۵٪ سکولار های جامعه، حزب شخصیت های غیرکارگر و حزب رفتن به قسمت گود استخرسیاست و نه حزب کارگران سوسیالیست - کمونیست برای لغو مالکیت خصوصی و نابود کننده کارمزدوری را تحویل پیروان اش داد و آقای ایرج آذرین با پیشنهاد **نپ** در اپوزیسیون به دفاع از صاحبان کارگاه های کوچک برخاست. این دو نفر یکی تدوین کننده برنامه دنیای بهتر و دیگری نویسنده بیانیه تأسیس حزب کمونیست کارگری می باشند. این هم یکی از ظن های تاریخ بود که مؤسسیس حزبی که قرار بود،

حزب تک بنی، حزب کارگران سوسیالیست باشد به تدوین کنندگان تئوری راه سوم مبدل شدند. گفته های این دو رهبر "کمونیسم کارگری" را شما می توانید در اثرات زیر مطالعه نمائید. منصور حکمت سخنرانی در کنگره دوم حزب کمونیست کارگری ایران، مصاحبه با کیومرث نویدی سر دبیر نشریه بیدار - نشریه کانون نویسندگان ایران در تبعید، حزب و جامعه- سخنرانی در پلنوم وسیع کادرهای حزب کمونیست کارگری- ایرج آذرین کتاب چشم انداز سوسیالیسم کارگری در قرن ۲۱- در فاصله یکی دو سال است که این گفته ها و نوشته ها همزمان تدوین می شوند.

مقاله استغاف و شرکاء را شما می توانید در اینجا به زبان سوئدی مطالعه نمائید.

<http://www.dn.se/debatt/storsta-fornyelsearbetet-pa-20-ar-ska-modernisera->